



اوضاع اقتصادي و اجتماعي افغانستان
پس از کودتای ثور 1357
قسمت دوم:

دوره ببرک کارمل (جدي 1358-1365)

دوره کوتاه حفیظ الله امین با یورش نظامی قوای ارتش سرخ به پایان رسید و بعد از قتل وی ببرک کارمل رقیب سرسخت او به حمایت نظامی شوروی بر اریکه قدرت تکیه زد. با پیشروی اردوی شوروی به سوی آبهای گرم و منابع انرژی شرق میانه و جنوب آسیا، صفحه جدیدی در تاریخ رقابتهای قطبین حاکم در افغانستان، منطقه و جهان باز شد و موضوع افغانستان جنبه ملی و بین المللی بخود گرفت.

مبارزات متنوع مردمی که نخست بیشتر جنبه خود جوش و پتانسیل محلی و سمتی داشت، حالت عمومی و ملی پیدا کرد و به مرور زمان با حمایت همه جانبه خارجی در شکل و سیمای «جهاد ضد کمونیستی» و «مبارزه کفر و اسلام» تبدیل گردید و افغانستان به میدان جنگ و کشاکش قطبین حاکم جهانی تبدیل شد.

پرچمیها به رهبری ببرک کارمل چیزی برای گفتن و طرح عملی جامع جهت اصلاح امور در دست نداشتند. حضور قوای شوروی آنان را در برابر احساسات ملی و مذهبی مردم از یکطرف و ضدیت آشکار جهان غرب و کشورهای اسلامی عرب از جانب دیگر قرار داده بود. کارمل در بیانیه خود که از خاک اتحاد شوروی پخش شد، تلاش ورزید با «میر غضب» خطاب کردن امین همه اشتباهات، نواقص و جنایات را به گردن او بیندازد.

در اوایل دوره ببرک کارمل یک سلسله اصلاحات سطحی و شعارگونه برای حصول حمایت مردم، مانند آزادی زندانیان سیاسی، منع تعقیب و تفتیش منازل و آزادی مطبوعات و اجتماعات اعلان شد که نتیجه مطلوب نداد. ارائه لست طولی اعدام شدگان خشم مردم را بیشتر برانگیخت و آزادی تعداد معدود زندانیان آبی بران آتش پاشیده نتوانست. با به گلوله بستن تظاهرات محصلان پوهنتون و حفظ فضای اختناق، دیگر جایی برای آزادی مطبوعات و اجتماعات باقی نماند. فشارهای نظامی و هوایی به مرور زمان چونان افزایش یافت که تفتیش منازل به پدیده بسیار عادی تبدیل شد. سران دولت کارمل به رهنمایی مشاورین روسی بعد از شکست اصلاحات مرحله نخست به فکر اصلاحات عمیق تر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برآمدند. آنان به تأثیرات بسیار منفی فرمانهای اولیه و طرحهای خام خویش که قیامهای مردمی و مبارزات مسلحانه را دامن زده بود، تا حدودی پی برده بودند؛ لیکن قصد نداشتند از اهداف انقلابی، ایدئولوژیکی و افراطی خود دست بردارند و مطابق به واقعیهای افغانستان، منطقه و جهان عمل نمایند. به این دلایل اصلاحات مطروحه که در راستای همان اهداف افراطی متناقض با جامعه افغانستان بوجود آمد، موفق نشد.

در حوت 1361 دولت دست به تشکیل «جبهه پدر وطن» دراز کرد، تا از نگاه سیاسی و عنعنوی پایگاه حزب و دولت را وسیع تر سازد و بدنبال آن به ایجاد «هسته های اولیه اقوام و قبایل و ملیتها» اقدام شد. جهت کاهش احساسات مذهبی و خشم عقیدتی مردم «شئون اسلامی» تشکیل گردید. در عرصه اقتصادی و اجتماعی به تعدیل «اصلاحات ارضی» پرداخته شد و برای تثبیت خصوصیت میدان بیشتری فراهم گردید.

اصلاحات این مرحله هم از عمق لازم برخوردار نبود و دولت هنوز از اهداف افراطی خود نمی خواست دست بردارد. به طور مثال کارمل در بیانیه برج عقرب سال 1361 در ولایت هرات گفت: «تحقق اصلاحات ارضی و آب در واقعیت امر حلقه مرکزی و عمده انقلاب ملی و دموکراتیک ما را تشکیل می دهد»⁽¹⁾ همچنان تعدیلاتی که در برنامه اصلاحات ارضی بوجود آمده بود بسیار دیر و ناچیز به نظر می آمد: «بعد از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ملکیت بر زمین از یک هکتار به دو هکتار بالا برده شد»⁽²⁾

در دوره ببرک کارمل هر چند اصلاحاتی روی دست گرفته شد؛ لیکن در اهداف اساسی دولت و وابسته سازی کشور به شوروی تفاوت عملی و موثر چندانی دیده نمی شد. دولت در واقع تاکتیکها و شیوه پیاده سازی همان اهداف اساسی خویش را اصلاح می کرد و تلاش می وزید با شناخت بهتر شرایط و اوضاع جامعه، برنامه هایش را تطبیق کند. چنانکه به تاریخ 5 اسد سال 1361 در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب آمده است: «در جریان کار سیاسی با توده ها سازمانهای حزبی، اجتماعی و موسسات ایدئولوژیکی کشور باید خصوصیت اقشار و گروههای اجتماعی مردم را مدنظر به گیرند و با آنها برخورد متنوع داشته باشند و به صورت پیگیر باید اصول اعلام شده حزب دموکراتیک خلق

1 - اتفاق اسلام، 2 عقرب 1361.

2 - اتفاق اسلام، 18 جوزای 1361.

افغانستان و حکومت جمهوري دموکراتیک افغانستان نسبت بدین مقدس اسلام، سنن و عنعنات مردم، ارزشهای تاریخی و فرهنگی ملیتها، اقوام و قبایل افغانستان مراعات گردد»⁽³⁾ کارمل در سخن رانی خود در برج عقرب 1361 از کمکهای شوروی این طور تقدیر می نماید: «کمکهای بی شایبه و سخاوتمندانه اتحاد شوروی برادر و دوست مطمئن ما نقش پر ارزش و بی نظیری را در رفع دشواری های موجود اقتصادی ما ایفا می نماید»⁽⁴⁾ در این دوره همچنان تلاش شد تا متشبهین خصوصی تشویق شده و از این ناحیه توان اقتصادی دولت افزایش داده شود. هدف دولت این بود تا بخش خصوصی تحت رهبری سکتور دولتی رشد کند. در این باره در روزنامه اتفاق اسلام می خوانیم:

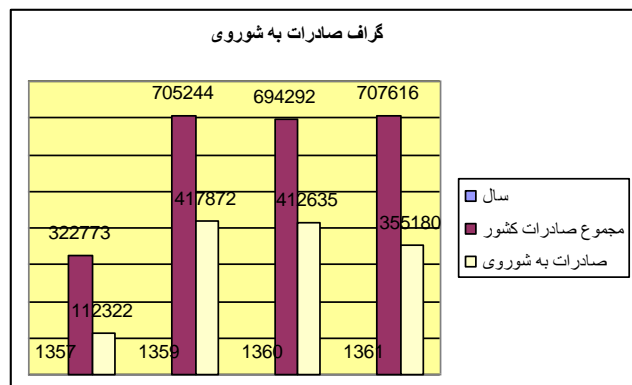
«بتأسی از احکام 18 و 22 اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که دولت تشبثات خصوصی را تشویق، حمایت و کنترل می کند، سی و شش پروژه متوسط و کوچک به سرمایه مجموعی 498 ملیون افغانی که شامل بخشهای مختلف چون: کشمش پاکي، نساجي، مرغداري، صابون سازي، تولید نخ و غیره می باشد، منظور گردیده است»⁽⁵⁾

جداول صادرات و واردات کشور

در این سالیان روابط سیاسی و اقتصادی با حوزه پکت ورشو در حال گسترش بود و صادرات به شوروی و واردات از آن سیر صعودی داشت که جداول آتی نمایانگر آن است:

جدول صادرات به شوروی (سال 1357-1361) به هزار دالر

سال	1357	1359	1360	1361
مجموع صادرات کشور	32277	70524	69429	707616
صادرات به شوروی	11232	41787	41263	355180
منبع: شاخصهای اقتصادی و اجتماعی، اداره مرکزی احصائیه، کابل 1362				



جدول واردات از شوروی (سال 1361-1357) به هزار دالر

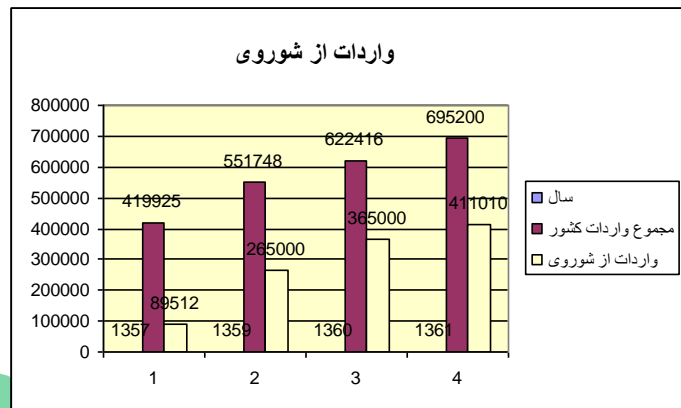
سال	1357	1359	1360	1361
-----	------	------	------	------

3 - اتفاق اسلام، 7 استد 1361.

4 - اتفاق اسلام، 2 عقرب 1361.

5 - اتفاق اسلام، 4 قوس 1361.

695200	622416	551748	419925	مجموع واردات کشور
411010	365000	265000	89512	واردات از شوروی
منبع: شاخصهای اقتصادی و اجتماعی، اداره مرکزی احصائیه، کابل 1362				



از فشارهای شدید نظامی تا اصلاحات بیشتر

پس از عقیم ماندن طرحهای اصلاحی دولت و توسعه بیشتر مبارزات مسلحانه فشارهای قوای مشترک شوروی و دولت افغانستان بالای مناطق مجاهدین در دهات و قشلاقها شدت افزون پیدا کرد. بیشتر اهالی روستاها مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شدند.

سیاست غیرانسانی ویران سازی مناطق مسکونی در دهات (بمناوبه زیربنای اقتصادی و اجتماعی مجاهدین) در سطح کشور توسعه یافت که ما اوج این حرکت تخریبگرانه را در سالهای 1362، 63 و 64 دیده می توانیم. در زیر این فشارهای سنگین زمینی و هوایی وضع اقتصادی ده نشینان، قشلاق گزینان و کوچیان صحرا گرد بکلی خراب و پاشان شد.

در ابتدای کودتای ثور که ساخت اقتصادی و اجتماعی ده نشینان در اثر ریفورهای ناشیانه دولت شکافهای عمیق برداشته بود، در زیر بمبهای آتشین و فیر سلاحهای ثقیل از هم گسست. بیش از پنج میلیون نفر مجبور به مهاجرت به کشورهای خارجی خاصه پاکستان و ایران شدند. میکانیزم جنگی جای ساختار نورمال و مختلط سابق را گرفت و جامعه دچار بحران و جنگ هستی سوز گشت.

درگرما گرم فشارهای سخت نظامی تحولات جدیدی در شوروی پدید آمد. بدنبال مرگ پیاپی رهبران پیر آن در حوت 1363 نوبت به میخائل گرباچف رسید. در راستای تشدید اصلاحات در روسیه شوروی، در افغانستان نیز جریان ریفورمهای دولتی سرعت گرفت. موج انتقادات از سیاستهای سابق روسیه در قبال افغانستان افزایش پیدا کرد. پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در 30 دلو 1364 طی تفسیری به اشتباهات دولت روسیه در افغانستان اذهان نمود:

«اشتباهاتی در مراحل اولیه انقلاب (افغانستان) صورت گرفته، زیرا برای پشت سر گذاشتن دوره های انقلابی اجرای رفرمهای اجتماعی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن واقعیهایی موجود و خصوصیات ملی و اجتماعی انجام پذیرفته و در نهایت تأثیر منفی داشته است»⁽⁶⁾

ببرک کارمل که هنوز در خواب و خیال پیشین سیر می کرد، در مرحله جدید مهرة خوبی برای اصلاحات بیشتر در افغانستان نبود. وی قبل از برکناری در یکی از بیانیه های خود هنوز در جهان خیالی سابق گرفتار بود و با مقولات بازی می کرد: «هرگاه ارتجاع منطقه، امپریالیستها و هژمونیستهای چین مداخلات خود را، سیاست تجاوزگرانه خود را در امور داخلی کشور ما به صورت عام و تام قطع نمایند... در افغانستان یگانه حزب حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود... به پیش آهنگی حزب، خلق افغانستان انقلاب کرد... دولت افغانستان به اراده خلق خود خواهان به پیروزی رسیدن انقلاب دموکراتیک می باشد» با افزایش سیر تحولات در روسیه شوروی برای انجام اصلاحات افزونتر در افغانستان دکتور نجیب جای ببرک کارمل را گرفت.

ادامه دارد

رسول پویان

سازمان آموزش و پرورش